

بررسی ارتباط بین ریسک عملیاتی بر اجتناب شرکتها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام

نوروز نوراله زاده^۱

زینب کلهری پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط بین ریسک عملیاتی بر اجتناب شرکتها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در راستای بررسی این موضوع، یک فرضیه طراحی شده است و برای آزمون فرضیه‌ها از الگوهای رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی و روش اثرات ثابت استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش طبق الگوی غربال گری و روش حذفی نظام‌مند در بر دارنده ۱۳۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و در دوره زمانی ۵ ساله از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۴۰۲ است. داده های مربوط به متغیرهای پژوهش بعد از گردآوری در نرم افزار اکسل با استفاده از نرم افزار ایویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش به روش داده‌های تابلویی نشان داد اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات بر واکنش قیمت سهام تاثیر معنادار منفی دارد.

واژگان کلیدی

ریسک عملیاتی، اجتناب، پرداخت مالیات، قیمت سهام

۱. استاد حسابداری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکترا مدیریت مالی گرایش بیمه، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در بسیاری از کشورها بخش عمده ای از منابع درآمدی دولت، از طریق مالیات تامین می‌شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها، متفاوت است و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آنها دارد. از طرفی اجتناب مالیاتی یک نوع بکارگیری از قوانین مالیاتی است که ناشی از خलाهای قانونی موجود در قانون مالیاتی نشأت می‌گیرد است.

مالیات به عنوان یک بخش از درآمدهای دولت نقش مهمی در اقتصاد هر کشور دارد. آگاهی از وصول میزان درآمدهای مالیاتی نقش مهمی در پیش‌بینی بودجه دولت و برنامه ریزی‌های آتی جهت توزیع و مصرف آن دارد. اما باید در نظر داشت که بهترین مدیریت مالیاتی صرفاً آن نیست که بیشترین درآمد مالیاتی را وصول شود. این مسئله که چنین درآمدی چگونه وصول شده است یعنی اثر آن بر عدالت مالیاتی، عواقب سیاسی آن برای دولت‌ها و تاثیر آن بر سطح رفاه اقتصادی نیز به همان اندازه مهم است. یک مدیریت مالیاتی ضعیف ممکن است از بخش‌هایی که وصول مالیات از آنها به سادگی امکان پذیر است، مثلاً حقوق بگیران، میزان معتناهی مالیات وصول نماید در حالی که از وصول مالیات بر شرکت‌ها عاجز باشد. بنابراین سطح وصولی مالیات یک معیار ساده برای اندازه‌گیری کارایی مدیریت مالیاتی است. یک معیار دقیق‌تر اندازه‌گیری کارایی مدیریت مالی، درجه تمکین مؤدیان در میان بخش‌های مختلف جامعه مؤدیان است (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۵۰).

مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای شرکت به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد. با توجه به اینکه سهامداران به دنبال راههایی برای جلوگیری از خروج وجه نقد از شرکت می‌باشند و مالیات پرداختنی یکی از موارد خروج وجه نقد از شرکت است. محققان معتقدند که شرکت‌های دارای سهام اقلیت نسبت به شرکت‌های دارای سهام نهادی بیشتر به مدیریت بدهی‌های مالیاتی خود می‌پردازند (خانی و سلطانی، ۱۳۹۰، ۶). بر این اساس انتظار می‌رود اجتناب مالیاتی بر واکنش قیمت سهام و عملکرد شرکت تاثیرگذار باشد. در کشور ایران با توجه به شرایط اقتصادی، سرمایه‌ها عمدتاً به سوی سفته بازی سوق داده می‌شوند. در این میان به وجود آوردن شرایطی که سرمایه‌گذاران از میان شقوق مختلف، سرمایه‌گذاری بر روی اوراق بهادار و سهام شرکت‌ها را برگزینند، دارای اهمیت خاص می‌باشد. بنا براین با بررسی نیازهای سرمایه‌گذاران و برآوردن تقاضاهای منطقی، باید زمینه انتقال سرمایه از کارهای غیر مولد به سمت کارهای تولیدی را فراهم ساخت (خانی و سلطانی، ۱۳۹۰).

بازار بورس اوراق بهادار از ابزارهایی است که در تجهیز پس اندازهای مردمی و تخصیص آن به فعالیت‌های تولیدی و ایجاد امکانات لازم برای مشارکت عموم مردم در توسعه فعالیت‌های مفید اقتصادی نقش به سزایی را ایفا می‌کند. از مهمترین گروه‌های استفاده کننده از اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، سرمایه‌گذاران بالقوه در سهام شرکت‌ها می‌باشند. بدست آوردن اطلاعات کافی جهت استفاده کنندگان فوق الذکر از کانال بورس اوراق بهادار انجام می‌گیرد (خانی و سلطانی، ۱۳۹۰، ۶).

بورس‌های معتبر دنیا نشان داده‌اند در تامین و جمع‌آوری سرمایه موفق بوده و این حاصل اعتماد سهامداران به بازارهای سرمایه و کارایی بازار است، به نحوی که مطمئن هستند سرمایه‌های آنها به هدر نرفته و سودهای معقولی به ارمغان می‌آورد. تحقیق پیرامون مقوله‌های مختلف موثر بر بازار سهام می‌تواند به تصمیم‌گیری صحیح سهامداران کمک کند و تخصیص بهینه‌ی منابع اقتصادی به نحو مطلوبتری صورت گرفته و وضع سرمایه‌گذاری بهتر گردد.

امروزه به دلیل گسترش فعالیت‌های اقتصادی و رونق سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه به خصوص بورس اوراق بهادار، دسترسی به اطلاعات درست و به موقع و تحلیل دقیق و واقع بینانه آنها، مهمترین ابزار جهت اتخاذ تصمیمات درست و کسب منفعت مورد انتظار و استفاده بهینه و مطلوب از امکانات مالی می‌باشد. محتوای اطلاعاتی شرکت‌ها و اجزای آن، به طور گسترده‌ای در متون

حسابداری و مالی بارها مورد آزمون قرار گرفته است. گزارش اجتناب مالیاتی و نیز اجزای آن، هم در پیشرفت تاریخی و هم در گزارشگری مالی همواره مورد توجه بوده است.

از این رو پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی به این سؤال اصلی است که آیا بررسی ارتباط بین ریسک عملیاتی بر اجتناب شرکتها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تاثیر معناداری دارد؟

مبانی نظری

ریسک عملیاتی

در مبانی نظری حوزه مالی ریسکها دارای انواع مختلفی می باشند، اما یکی از مهم ترین ریسکهای نوظهور حوزه بانکداری که در اواخر قرن بیستم اهمیت شایان توجهی در جهان را به خود جلب کرد، ریسک عملیاتی، به بیان دیگر، امروزه «ریسک عملیاتی است (فنگ و همکاران و شیوه مدیریت آن» به یکی از مهمترین مباحث موجود در صنعت بانکداری تبدیل شده است. تاثیرات بالقوه ای که این شاخه از ریسک می تواند بر عملکرد بانک ها و موسسات مالی داشته باشد، گاه به حدی گسترده است که به ورشکستگی واحدهای مزبور می انجامد. ریسک عملیاتی به طور عمده ناشی از احتمال بروز خطا و نقصان در عملیات بنگاه های اقتصادی و مالی می باشد که به طور مستقیم به ریسکهای اعتباری و بازار مربوط نمیشود، بلکه ناشی از خطاهای انسانی، رایانه، برنامه های رایانه ای، تصمیم گیری، اختلاس، کلاهبرداری و غیره می باشد. این ریسک با عنایت به توسعه روزافزون فناوری اطلاعات (IT) در خدمات بانکداری و همچنین افزایش معاملات و معامله گران در بازارهای پول و سرمایه اهمیت پیدا می کند. مبانی نظری و شواهد تجربی در این زمینه نیز نشان داده اند که با توجه به اینکه زیان های عملیاتی شرکت های اقتصادی ممکن است سبب زیان های شدیدتر اعتباری شوند، با این وجود معمولاً هنگام مدل سازی و ارزیابی ریسک عملیاتی این موضوع مورد توجه قرار نمی گیرد. ریسک عملیاتی ازجمله مهمترین ریسکهای شناخته شده در عرصه فعالیت های بانکی می باشد. گسترش بازارهای مالی، ظهور تکنولوژی های نو و جهانی شدن مؤسسات مالی براهیمیت این ریسک افزوده است. مدیران بانکها و مؤسسات مالی به منظور کنترل و کمینه کردن ریسک عملیاتی باید ضمن در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر این نوع ریسک، سیاست ها و رویه های کنترل مناسبی اتخاذ کرده و در دوره های زمانی مشخص آنها را مورد بررسی قرار دهند. از این رو، شناسایی و ارزیابی ریسک عملیاتی یک شرکت اقتصادی از جمله ارزیابی خسارت های اعتباری، میتواند این خلاء را پر کند. کمیته بال ریسک عملیاتی را به عنوان «ریسک زیان ناشی از فرآیندها، افراد و سیستمهای نامناسب و ناتوان یا ناشی از رویدادهای خارجی» تعریف کرده است. شایان ذکر است ریسک عملیاتی با سایر ریسکهای بانکی تفاوت دارد. بدین معنا که پذیرش این ریسک، به طور مشخص در قبال کسب بازده مورد انتظاری انجام نمی گیرد، بلکه ریسک عملیات ی در مسیر طبیعی فعالیت بانک قرار دارد و می تواند با تمامی فعالیت های بانک ارتباط داشته باشد. این موضوع مهم است که هر سازمان مالی و اقتصادی نظیر بانکها و موسسات مالی و اعتباری در رابطه با مدیریت ریسک به وضوح یک استراتژی ایجاد کنند. این استراتژی باید بر اساس رویکرد کلی سازمان از ریسک و مدیریت ریسک باشد. به منظور ایجاد این استراتژی الزام است در خصوص جریان ریسک پذیری سازمان، تصمیم گیری شود. این مهم است که جریان ریسک پذیری در حد ظرفیت کلی ریسک سازمان باشد. بنابراین باید در خصوص چگونگی محاسبه ظرفیت ریسک نیز تصمیم گرفته شود. تصمیمگیریهای مهمی در رابطه با فرآیند ریسک وجود دارد که باید توسط سازمان به تصویب برسد. همانند تصمیماتی که در خصوص طراحی و پیاده سازی مدیریت ریسک آغازین در راستای تحقق الزامات استراتژی ریسک اتخاذ می گردد (هاپکین، ۲۰۱۰)

اجتناب و فرار از پرداخت مالیات

تعاریف متفاوتی از اجتناب از پرداخت مالیات به وسیله محققان ارائه شده است. اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان کاهش مالیات آشکار هر ریال از سود قبل از مالیات تعریف شده است. فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می دهد و ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می دهد،

اطلاق می‌شود. اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند. براساس تعریف اسلمرد (۲۰۰۴)، نوع مشروع اجتناب از پرداخت مالیات از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری ناشی می‌شود. مثالی از این مورد روش محاسبه هزینه استهلاک است. قانون مالیاتی، شرکت‌ها را ملزم می‌کند که با استفاده از روش الزامی شده در قانون دارایی‌ها را مستهلک کنند، اما اصول پذیرفته شده حسابداری به شرکت‌ها اجازه می‌دهد هزینه استهلاک را به گونه‌ای محاسبه کنند که اطلاعات بهتری به استفاده کنندگان صورتهای مالی منتقل شود. اجتناب مالیاتی فرآیندی می‌باشد که در آن یک فرد امور مالی خود را طوری برنامه ریزی می‌کند که از تمام معافیت‌ها و تخفیف‌های ارائه شده توسط قوانین مالیاتی در جهت کاهش درآمد مالیاتی استفاده کند.

اجتناب مالیاتی یک رویه کاملاً قانونی برای مدیریت مالیات‌هاست، اگرچه گاهی اوقات عمل اجتناب مالیاتی ممکن هست منجر به سوءاستفاده گردیده و افراد از خط عبور نموده وارد حریم فرار مالیاتی شوند. در فرار مالیاتی، افراد از ابزارهای غیرقانونی در جهت پرداخت نکردن تمام یا بخشی از مالیاتشان استفاده می‌کنند. فرار مالیاتی می‌تواند منجر به تعقیب قانونی، جرایم و حبس شود.

از طریق اجتناب مالیاتی، یک فرد از مزایای تمام فرصتهای قانونی استفاده نموده تا بدهی مالیاتی خود را به حداقل برساند. برای مثال، فردی ممکن است از طریق سرمایه گذاری مبلغ بسیار زیادی در اوراق بهادار شهرداری از مالیات بر درآمد اجتناب کند، چون که سود این سهام مشمول مالیات بر درآمد نمی‌شود. سود مبلغ مشابهی که در حساب پس انداز بانکی هست قطعاً سود مشمول مالیات می‌باشد.

آریوودولا (۲۰۰۰) اجتناب مالیاتی را بعنوان استفاده از روشهای قانونی برای تعدیل صورت وضعیت مالی فرد به منظور کاهش مبلغ مالیات بر درآمد مؤدی تعریف می‌کند. بطور کلی این امر از طریق ادعای اعتبار و کسور مجاز در حد کامل آن امکان پذیر هست. اکثر مؤدیان مالیاتی از برخی اشکال اجتناب مالیاتی استفاده می‌کنند، بعنوان نمونه، افرادی که در برنامه های بازنشستگی اسپانسر شده توسط کارفرما که در صندوق پیش مالیات مشارکت دارند درگیر اجتناب مالیات هستند چون مبلغ مالیاتی که به صندوق پرداخت می‌شود معمولاً نسبت به مبلغ مالیاتی که فرد به خاطر شغلش می‌پردازد کمتر هست. مضاف براین، برنامه های بازنشستگی به مؤدیان مالیاتی اجازه می‌دهد که مالیاتی پرداختنی خود را تا حداکثر زمان ممکن به تعویق بیندازند تا پس اندازهای آنها با نرخ بالاتری رشد کند (چرچیل، ۲۰۰۷). از نقطه نظر عمومی نویسندگان متعدد، میتوان گفت که اجتناب مالیاتی ذکر شده شکل عمدی از کاهش اعتبار مالیاتی فرد با استفاده از راههای فرار در قانون مالیات می‌باشد. طبق نظر سسی (۲۰۰۳) مالیات می‌تواند در ایران مورد اجتناب قرار بگیرد، جایی که هزینه سرمایه با هدف مطالبه ذخیره سرمایه متحمل می‌شود، و سرمایه گذاری خارجی با هدف بخشودگی از مالیات بر درآمد صورت می‌گیرد.

طبق نظر سیود & کجولا (۲۰۰۶) می‌توان از طریق به حداقل رساندن مشمول واقعی بالا مالیات از طریق حصول نگرانی در کسب و کاری که ضرر و زیان سنگینی را متحمل شده است از مالیات اجتناب کرد تا اینکه در سود آینده ضرر و زیان مورد بخشودگی مالیاتی قرار بگیرد. همچنین با به حداقل رساندن اعتبار مالیاتی از طریق سرمایه گذاری در دارایی های سرمایه ای (برای نمونه از طریق شکل جدید تأمین مالی شرکت‌ها با روش اجاره تجهیزات). بنابراین تحت حمایت قرار دادن درآمد برخی از مؤدیان مالیاتی از مالیات از طریق ادعای کمک هزینه سرمایه. ابزار دیگر ایجاد اعتماد به نفع کودکان یا روابط دیگر هست به منظور دستکاری در نرخ بازار مالیات بطوری که مالیات دهندگان با درآمد بالا بدهی مالیاتی خود را کاهش می‌دهند. برگرداندن هر آنچه که معمولاً به مالیات دهندگان تعلق می‌گیرد به عنوان درآمد به افزایش سرمایه (که جبران ضرر و زیان شغلی هست) به نفع کارفرما و کارمند می‌باشد.

بحث اجتناب مالیاتی بیشتر در مورد شرکت‌هایی که موضوع جدایی مالکیت از کنترل در آن مطرح است عنوان می‌شود، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه‌ی اجتماعی، کمتر درگیر

فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند ولی در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و افزایش اجتناب مالیاتی هستند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. از این رو، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیأت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶).

دسای و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. آن‌ها معتقدند که وجود ماموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوءاستفاده از منابع داخلی شرکت‌ها می‌شود. نکته دیگری که توسط دسای و همکاران (۲۰۰۷) مطرح شد این است که نحوه حاکمیت و رهبری شرکت‌ها بر روی سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیرگذار است. آن‌ها معتقدند اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی که دارای نظام حاکمیتی قوی هستند، باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود. همچنین آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با توجه به وجود مسأله رابطه نمایندگی بین مدیر و سهامداران، این دیدگاه که اجتناب مالیاتی باعث افزایش انتقال منافع از دولت به سهامداران می‌شود، نمی‌تواند به طور کامل صحیح باشد. حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود. سهامداران با ریسک خشی انتظار دارند که مدیران به نمایندگی از آن‌ها روی حداکثرسازی تمرکز کنند که شامل فرصت‌هایی برای کاهش بدهی مالیاتی می‌شود، به گونه‌ای که منافع اضافی آن بیشتر از مخارج اضافی آن باشد. بنابراین، اجتناب مالیاتی انعکاسی از مسئله نمایندگی است. به هر حال، جدایی مالکیت از کنترل می‌تواند به تصمیمات مالیاتی شرکت منجر شود که منافع شخصی مدیران را منعکس می‌کند. از این رو، چالش سهامداران و هیأت مدیران، یافتن ترکیبی از مکانیسم‌ها و انگیزه‌هایی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). اکثر پژوهش‌های گذشته، تصمیمات گزارشگری مالیاتی را بدون توجه به مسئله نمایندگی در نظر گرفتند. جدایی مالکیت از کنترل دلالت بر این دارد که اگر اجتناب مالیاتی یک فعالیت ارزشمند است پس مالکان باید انگیزه‌های مناسبی برای اطمینان از تصمیمات مالیاتی کارای مدیران ایجاد نمایند. مالیات کارا یعنی تصمیمات و معاملاتی که منافع مالیاتی آن بیشتر از هزینه آن باشد (هانلون و هیتزن، ۲۰۱۰).

پژوهش‌های دیگر در این زمینه بیان می‌کنند که به علت پیچیدگی محاسبات مربوط به مالیات، هزینه مالیات گزینه‌ای بسیار مناسب و غیرقابل کشف برای مدیریت سود است (دالیوال و همکاران، ۲۰۰۴). دالیوال و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند از آنجایی که در برآورد هزینه مالیات، ارقام اختیاری مثل ارزشیابی ذخایر و سودهای تقسیم نشده تأثیر گذارند و همچنین به دلیل وجود عواملی مثل معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های مالیاتی مربوط به صادرات، برآورد ارزش سرقفلی و نحوه‌ی استهلاک آن و وجود قوانین متعدد مالیاتی و پیچیدگی‌های مربوطه، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را در تفسیر هزینه مالیات دچار مشکل می‌کند. در این زمینه، حسابرسان با کمک و یاری بخش‌ها و دوایر مالیاتی خود می‌توانند منطق و درستی ارقام منظور شده در برآورد مالیات را نسبت به سهامداران و تحلیلگران بهتر ارزیابی کنند، زیرا حسابرسان متخصص مالیاتی، دارای دانش و اطلاعات کافی در مورد چگونگی استفاده شرکت‌ها از هزینه مالیات برای اجتناب مالیاتی هستند. بنابراین، تخصص حسابرس می‌تواند عامل مهمی در تعیین سطح اجتناب مالیاتی محسوب شود. علی‌رغم این، مدیران، زمانی روش‌های انتخاب شده برای اهداف مالیاتی را برای گزارشگری مالی و بالعکس، بکار می‌برند که منافع این کار، بیشتر از هزینه‌های آن باشد. از جمله منافع این کار، اجتناب از رسیدگی‌های اضافی و جرایم احتمالی از طرف سازمان مالیاتی خواهد بود. این همخوانی رویه‌ها ممکن است هزینه‌های غیرمالیاتی نیز در برداشته باشد، به عنوان نمونه، بکارگیری روش اولین صادره از اولین وارده (FIFO) برای موجودی‌ها ممکن است منجر به کمتر نشان دادن سود و

در نتیجه، مالیات مورد نظر شود که مزیت یا منافع این امر، نگهداری وجه نقد بیشتر برای شرکت خواهد شد. اما در مقابل، سود کمتر از دیدگاه اعتباردهندگان شرکت ممکن است هزینه بهره بالاتری را برای شرکت به دنبال داشته باشد (کلوید، ۱۹۹۶). نتیجه بکارگیری و مد نظر قرار دادن منافع و هزینه‌های مذکور از طرف مدیریت، منجر به تفاوت بین سود قبل از مالیات گزارش شده در صورت سود و زیان و سود مشمول مالیات (تفاوت مالیات دفتری) خواهد شد (میلز و نیوبری، ۲۰۰۱). بنابراین، نحوه برآورد سود مشمول مالیات یا به عبارت دقیق‌تر، تفاوت دفتری مالیات و پرداخت‌های مالیاتی از جمله عوامل بسیار مهمی هستند که می‌توان از طریق آن اجتناب مالیاتی را اندازه‌گیری نمود. اما از آنجایی که اظهارنامه‌های مالیاتی، به‌طور عمده، در دسترس نیستند ولیکن چون نتیجه محاسباتی آن‌ها، از جمله هزینه مالیات، بدهی مالیاتی، در صورت‌های مالی ارائه می‌گردند، بنابراین، صورت‌های مالی از جمله بهترین منبع برای دستیابی به معیارهای اجتناب مالیاتی خواهند بود. استخراج اطلاعات در مورد مالیات از صورت‌های مالی نیز دشوار است (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰)، زیرا در صورت‌های مالی به اندازه کافی در مورد سود مشمول مالیات و یا پرداخت‌های نقدی مالیات اطلاعات افشا نمی‌شود (مک‌گیل و اوتسلی، ۲۰۰۴؛ هانلون، ۲۰۰۳).

فرار از پرداخت مالیات، عملی عمدی در فاش نکردن کامل درآمد مشمول مالیات به مراجع مالیاتی در جهت پرداخت کمتر مالیات می‌باشد. به عبارت دیگر، تخلف از قوانین مالیاتی هست که به موجب آن شخص مشمول مالیات از پرداخت مالیات غفلت نموده و یا بدهی مالیاتی را از طریق ادعاهای جعلی و یا غیر واقعی در فرم مالیات بر درآمد کاهش می‌دهد. فرار از مالیات از طرق مختلف صورت می‌گیرد، برخی عبارتند از: امتناع از ثبت مالیات خود نزد مراجع مالیاتی مربوطه، عدم ارائه وضعیت یا اطلاعات مالیاتی و یا نگه داشتن اسناد و مدارک مورد نیاز ثبت، اظهار مالیاتی نادرست از طریق حذف یا پایین تر اظهار کردن مبلغ درآمد مشمول پرداخت مالیات برای امتناع یا اهمال در پرداخت مالیات، بیش از حد اظهار کردن هزینه‌ها به منظور کاهش درآمد یا سود مشمول مالیات که به نوبه خود منجر به پرداخت مالیات کمتر می‌شود نسبت به مبلغی که باید کامل پرداخت شود، و همینطور وارد کردن یک تراکنش مصنوعی.

مروری بر پیشینه پژوهش

سعیدی و همکاران (۱۴۰۳) به مطالعه بررسی تأثیر مالکیت نهادی، اهرم مالی و نقدینگی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد: مالکیت نهادی و نقدینگی بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معناداری دارد. ولی اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت معناداری دارد.

میرزادار و همکاران (۱۴۰۳) به مطالعه بررسی اثر تورش‌های رفتاری بیش اطمینانی، کوتاه‌نگری و خوش‌بینی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تورش‌های بیش اطمینانی و کوتاه‌بینی مدیریت دارای رابطه مستقیم و معنی‌دار با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی است در حالیکه تورش خوش‌بینی اثر معکوس بر متغیر مزبور دارد.

بیدی و همکاران (۱۴۰۳) به مطالعه پیش‌بینی نابسامانی شبکه‌ای نظام بانکی مبتنی بر ریسک‌های عملیاتی و مؤلفه‌های مالی رفتاری پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ابعاد مالی رفتاری و ریسک‌های عملیاتی تأثیرات معنی‌داری در پیش‌بینی نابسامانی شبکه بانکی دارد. همچنین، بر اساس ضرایب بتای برآورد شده در بین مؤلفه‌های مالی رفتاری، رفتار اقتصادی، بعد شناختی، تورش قضاوتی، رفتارهای مکاشفه‌ای، تورش‌های تصمیمی و قیمت و بازده سهام به ترتیب بیشترین تأثیر را بر نابسامانی بانکی نشان می‌دهند و ریسک نیروی انسانی، ریسک سیستمی، ریسک معاملاتی، ریسک فناوری و ریسک کلاهبرداری و تقلب در بین مؤلفه‌های ریسک عملیاتی نیز به ترتیب بیشترین تأثیر بر نابسامانی بانکی را داشته‌اند.

اسکندری و همکاران (۱۴۰۱) به مطالعه تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات و حاکمیت شرکتی بر ریسک ورشکستگی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های ما نشان می‌دهند که به‌طور کلی، هزینه‌های اجتناب از پرداخت مالیات (که ریشه در هزینه نمایندگی روزافزون، دعوی قضایی و خطر بی‌اعتباری دارد)، بسیار مهم‌تر از این منافع هستند. اقدامات اجتناب از پرداخت

مالیات، مربوط به اخذ اجاره مدیریتی، عدم وجود شفافیت سهامی و خطر قابل توجه تعقیب قانونی و مجازات (فروغی و همکاران)، می‌شوند. تمامی این فاکتورها می‌توانند واسطه رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و خطر ورشکستگی باشند. مالکان نهادی با در اختیار داشتن منابع مالی کافی و مدیران خبره به بازار سرمایه؛ می‌توانند به خوبی شرکت را اداره کرده و نظارت مؤثری بر رفتار مدیران شرکت داشته باشند. به همین جهت مالکیت نهادی موجب ارتقای عملکرد شرکت و کاهش ریسک ورشکستگی شرکت می‌گردند.

جیانگ و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، در مطالعه‌ی خود با استفاده از داده‌های شرکت‌های فهرست شده چینی، تأثیر افشای اجباری CSR را بر اجتناب از مالیات شرکتی، با به کارگیری روشهای تطبیق امتیاز تمایل و تفاوت در تفاوت‌ها بررسی کردند. نتایج نشان داد که اجرای افشای اجباری CSR منجر به افزایش قابل توجهی در اجتناب از مالیات شرکت میشود. به طور خلاصه، یافته‌ها با این دیدگاه سازگار است که افشای اجباری CSR رفتار شرکت را تغییر میدهد و اثرات خارجی مثبتی را برای جامعه در پرداخت مالیات به دولت ایجاد می‌کند.

خلیل و خلیف^۲ (۲۰۲۲) در یک پژوهش به مرور دییات و مطالعات تجربی که رابطه بین شرکت‌های خانوادگی و اجتناب مالیاتی را بررسی می‌کند (که اکثر آنها در آلمان، ایالت آمریکا و تایوان و سایر کشورهای اروپایی و... انجام شده بودند) پرداختند. نتایج آن‌ها حاکی از این بود که ارتباط بین شرکت‌های خانوادگی و اجتناب مالیاتی در ایالت متحده آمریکا، فنلاند و بلژیک منفی است. در مقابل، رابطه بین شرکت‌های خانوادگی و اجتناب مالیاتی در سایر اقتصادهای توسعه یافته (آلمان و ایتالیا) و درحال توسعه (برزیل، هند، مالزی و تونس) مثبت و معنادار است. در تایوان، تأثیر شرکت‌های خانوادگی بر اجتناب مالیاتی به عدم شفافیت شرکت‌ها بستگی دارد که تأثیر منفی شرکت‌های خانوادگی بر اجتناب مالیاتی را کاهش میدهد.

دخلی^۳ (۲۰۲۲)، در پژوهش خود به بررسی رابطه مستقیم و غیرمستقیم بین مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی شرکتی با استفاده از مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) به عنوان متغیر میانجی پرداخت و در این مطالعه از مجموعه داده‌های تابلویی ۲۰۰ شرکت فرانسوی فهرست شده در دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۸ استفاده کرد و اثرات مستقیم و غیرمستقیم بین مالکیت مدیریتی و اجتناب مالیاتی با استفاده از تحلیل مدل معادلات ساختاری مورد آزمون قرارداد. نهایتاً نتایج نشان داد که مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی می‌گذارد و هر چه نسبت مالکیت نهادی بیشتر باشد، احتمال استفاده از اجتناب مالیاتی کمتر است.

فرضیه‌های پژوهش

ریسک عملیاتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر براساس روش مطالعات کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات لازم جهت انجام پژوهش با استفاده از کتب، نشریات، مقالات و مجلات جمع‌آوری گردیده است. از آنجایی که موضوع تحقیق در ارتباط با شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، لذا نمونه آماری نیز از این شرکت‌ها بوده و به گونه‌ای انتخاب شده است که از کلیه صنایع فعال در بورس، نمونه انتخاب شده و این نمونه قابلیت تعمیم نتایج حاصله از تحقیق بر کل جامعه آماری (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران) را دارا می‌باشد.

در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها از نرم افزار ایویوز استفاده شده است، جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ است، از میان این شرکتها، شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و وقفه معاملاتی بیشتر از شش ماه نداشته باشند در نظر گرفته شدند.

¹ Jiang

² Khelil

³³ Dakhli

مدل و متغیرهای پژوهش

$$CAR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ETR_{it} + \beta_2 Risk_{it} + \beta_3 ETR * Risk_{it} + \beta_4 InstitutionalOwnership_{it} + \beta_5 LowTaxRisk_{it} + \beta_6 Log(Asset)_{it} + \varepsilon_{it}$$

در نگاره زیر متغیرها و نحوه اندازه گیری آن ارائه شده است:

نگاره شماره (۱) متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نام متغیر	علامت اختصاری	نحوه محاسبه
وابسته	واکنش قیمت سهام	CAR	عبارت است از بازده غیرعادی سهام که پس از برآورد مدل رگرسیونی فاما و فرنچ به دست می آید.
مستقل	اجتناب مالیاتی	ETR	عبارت است از نسبت کل هزینه مالیات به سود قبل از کسر بهره و مالیات
کنترلی	سودآوری شرکت	Loss	اگر شرکت در پایان سال زیان ده باشد به عبارت دیگر دارای سود پس از کسر بهره و مالیات منفی باشد، مقدار متغیر برابر صفر و در غیر این صورت برابر یک است.
	مالکیت نهادی	Institutional Ownership	میزان مالکیت نهادی مجموع سهام در اختیار بانک ها و بیمه ها، هلدینگ ها، شرکت های سرمایه گذاری، صندوق های بازنشستگی، شرکت های تامین سرمایه و صندوق های سرمایه گذاری، سازمان ها و نهادهای دولتی و شرکت های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت تقسیم شده و درصد یا میزان مالکیت نهادی به دست می آید.
	حد پایین ریسک مالیاتی	LowTaxRisk	عبارت است از انحراف معیار تغییرات معیار ETR (اجتناب شرکت ها از پرداخت مالیات) شرکت در دوره پنج ساله پژوهش.
	اندازه شرکت	Log(Asset)	عبارت است از لگاریتم طبیعی کل دارایی ها.
تعدیل گر	حاکمیت شرکتی	Governance	امتیاز حاکمیت شرکتی مرکب است که از مجموع سه زیر شاخص روابط سرمایه گذار، افشاگری عمومی و شفافیت اطلاعات و هیئت مدیره به دست می آید.
	ریسک عملیاتی	Risk	عبارت است از تغییرات سود عملیاتی نسبت به فروش

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره شماره ۲- آمار توصیفی متغیرهای فرضیه های پژوهش

نام متغیر	علامت اختصاری	میانگین	میان	مد	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
واکنش قیمت سهام	CAR	.125	.108	-.255 ^a	.125	.016	.757	1.834	.882	-.255	.627
اجتناب مالیاتی	ETR	.164	.113	.057	.196	.039	6.28 ₉	90.54 ₀	3.461	-.199	3.262

نام متغیر	علامت اختصاری	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
مالکیت نهادی	Institutional Ownership	61.15	72.04	10.0	26.74	715.380	-824	-818	79.830	10.000	89.830
حد پایین ریسک مالیاتی	LowTaxRisk	.355	0.00	0.00	.478	.229	.606	-1.638	1.000	0.000	1.000
اندازه شرکت	Log(Asset)	13.84	13.66	10.105 _a	1.437	2.067	.903	1.334	8.905	10.105	19.009
حاکمیت شرکتی	Governance	.706	.700	1.00	.204	.042	-.024	-1.296	.600	.400	1.000
ریسک عملیاتی	Risk	.737	.65	.180 ^a	.860	.741	.698	2.201	8.120	-2.640	5.480

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه پژوهش: ریسک عملیاتی بر رابطه اجتناب شرکتها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تاثیر معناداری دارد.

برای بررسی فرضیه پژوهش نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون مدل پژوهش برای بررسی فرضیه‌های پژوهش در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳) نتایج برآورد مدل پژوهش

پارامترها	مقدار ضرایب	خطای استاندارد	مقدار t	مقدار احتمال	نتیجه	VIF
مقدار ثابت	-1.104102	0.593232	1.861163	0.0632	بی معنی	-
ETR	-0.004537	0.001934	2.346004	0.0193	معنادار و منفی	۱,۰۰۶
Risk	-0.032986	0.048833	0.675497	0.4996	بی معنی	۱,۱۹۰
ETR*Risk	0.318130	0.214828	1.480859	0.1392	بی معنی	۱,۳۳۰
InstitutionalOwnership	-0.001872	0.001878	0.996603	0.3194	بی معنی	۱,۰۱۱
LowTaxRisk	-0.104459	0.061745	1.691767	0.0912	بی معنی	۱,۰۷۵
LogAsset	0.093816	0.042687	2.197777	0.0284	معنادار و مثبت	۱,۰۱۹
مقدار احتمال F		0.000000		مقدار آماره F		4.535803
ضریب تعیین		0.550918		دوربین واتسون		1.636590

در جدول بالا رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشخص شده است رابطه مثبت و معنادار به این مفهوم است که با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد در حالیکه در ارتباط منفی معنادار با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته کاهش می‌یابد در ارتباط بی معنی هم رابطه ای بین متغیر مستقل و وابسته وجود ندارد.

مقدار آماره t برای ETR برابر با -2.346004 و برای سطح اطمینان ۹۵ معنادار و منفی است. مقدار آماره t برای Risk برابر با -0.675497 و برای سطح اطمینان ۹۵ بی معنی است. مقدار آماره t برای ETR*Risk برابر با 1.480859 و برای سطح اطمینان ۹۵ درصد بی معنی است. مقدار آماره t برای InstitutionalOwnership برابر با -0.996603 و برای سطح اطمینان ۹۵ درصد بی معنی است. مقدار آماره t برای LowTaxRisk برابر با -1.691767 و برای سطح اطمینان ۹۵ درصد بی معنی است.

مقدار آماره t برای $LogAsset$ برابر با 2.197777 و برای سطح اطمینان ۹۵ بی معنی است. مقدار آماره t برای عرض از مبدا برابر با 1.861163- است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد در ناحیه عدم رد فرض صفر قرار دارد یعنی عرض از مبدا معنادار است. لذا مدل برازش شده به صورت زیر است:

$$CAR_{it} = -0.003078ETR_{it} + 0.026754Governance_{it} - 0.295093ETR * Governance_{it} + 0.096567Log(Asset)_{it} + \varepsilon_{it}$$

آماره t برای متغیر توضیحی $ETR * Risk$ (با بتای -0.295093) برابر با 4,395839- است و سطح معنی داری متغیر مذکور نیز برابر با 0,0024 است که در سطح اطمینان ۹۵٪ از نظر آماری معنی دار نیست (جدول ۳). لذا فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه ریسک عملیاتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد، رد می‌گردد.

نتیجه‌گیری

بررسی ارتباط بین ریسک عملیاتی بر اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام به عنوان موضوع پژوهش حاضر تعیین شد. به این منظور با تبعیت از مدل رگرسیونی بلافوس و همکاران (۲۰۱۹، ۵) تأثیر حاکمیت شرکتی و ریسک عملیاتی بر رابطه بین اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های مورد نیاز مدل‌ها از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران جمع‌آوری شد که طی قلمرو زمانی پژوهش از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ به مدت ده سال سهام خود را در بورس اوراق بهادار تهران عرضه داشتند و معاملات مربوط به سهام آن‌ها بیش از سه ماه وقفه نداشته است. بدین ترتیب ۱۳۹ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ریسک عملیاتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد، رد می‌گردد. لذا، این فرضیه تأیید نگردید.

پیشنهادهای حاصل از یافته‌های پژوهش

در خصوص نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

پیشنهاد می‌گردد مالکان شرکت‌ها تدابیری اتخاذ نمایند که رویه‌های مالیاتی شرکت با شفافیت بیشتری اجرا شود، تا فرصت‌های انحراف منافع و رفتار فرصت طلبانه مدیران و متعاقباً انحراف در میزان بازدهی مورد انتظار شرکت‌ها به حداقل برسد. به طور مثال، افرادی مستقل از مدیران شرکت به بررسی دوره‌ای سیاست‌های مالیاتی شرکت بپردازند. با توجه به مبانی نظری و تحقیقات تجربی، به مدیران و تصمیم‌گیرندگان توصیه می‌شود در تصمیمات و استراتژی‌های مالیاتی، ضمن در نظر گرفتن ساختار حاکمیت شرکتی، پیامدها و تأثیر احتمالی عدم اطمینان مالیاتی را مورد توجه قرار دهند. پیشنهاد می‌گردد این مطالعه را با جامعه‌های آماری متفاوت و برای سال‌های بیشتری مورد آزمون قرار دهند تا اعتبار این پژوهش نه تنها در بورس اوراق بهادار تهران، بلکه در سایر بورس‌های جهان، افزایش یابد و اطلاعات بیشتر و عمیق‌تری نیز در این زمینه فراهم گردد. همچنین مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای بین شرکت‌های دارای نقدشوندگی بالای سهام و نقدشوندگی پایین‌تر در بورس اوراق بهادار تهران با سایر بورس‌های جهان نیز توصیه می‌گردد.

منابع

حساس یگانه، یحیی، یزدانیان، نرگس، تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود، مجله مطالعات تجربی حسابداری، بهار ۱۳۸۶، شماره ۱۷، صص ۱۵۱ تا ۱۷۲
خانی، عبدالله و علی‌رضا سلطانی اسفریزی (۱۳۹۲). گزارشگری مالی متهورانه و رابطه‌ی آن با گزارشگری مالیاتی متهورانه. مجله اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۵ و ۶، صص ۵-۱۶

سعیدی, عباس & حسینی, رضا. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر مالکیت نهادی, اهرم مالی و نقدینگی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت. 7(91), 186-199.

میرزادزارع, مهدی, مشکي میاوقی, مهدی & میربرگ کار, سیدمظفر. (۱۴۰۳). بررسی اثر تورش های رفتاری بیش اطمینانی, کوتاه نگرى و خوش بینی بر اجتناب مالیاتی. پژوهشهای کاربردی در گزارشگری مالی. 13(1), 265-292.

بییدی, احمد, رهنمای رودپشتی, فریدون, غلامی جمکرانی, رضا, کردلوئی, حمید رضا & بکی حسکویی, مرتضی. (۱۴۰۳). پیش‌بینی نابسامانی شبکه‌ای نظام بانکی مبتنی بر ریسک‌های عملیاتی و مؤلفه‌های مالی رفتاری. دانش سرمایه‌گذاری, 13(52), 1-40.

اسکندری, علیرضا & عبدالملکی, زیبا. (۱۴۰۱). تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات و حاکمیت شرکتی بر ریسک ورشکستگی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت. 5(68), 126-143.

Dakhli, A. (2022). The impact of ownership structure on corporate tax avoidance with corporate social responsibility as mediating variable. *Journal of Financial Crime*, 29(3), Jiang 836- 852.

Khelil, I., & Khlif, H. (2022). Tax avoidance in family firms: a literature review. *Journal of Financial Crime*, (aheadof-print)

, W., Zhang, C., & Si, C. (2022). The real effect of mandatory CSR disclosure: Evidence of corporate tax avoidance. *Technological Forecasting and Social Change*, 179, 121646

Investigating the relationship between operational risk on corporate tax avoidance and stock price response

Abstract

The main objective of this study is to investigate the relationship between operational risk on tax avoidance and stock price response in companies listed on the Tehran Stock Exchange. In order to investigate this issue, a hypothesis has been designed and to test the hypotheses, multivariate regression models based on mixed data and fixed effects method have been used. The statistical population of the study, according to the screening model and systematic elimination method, includes 139 companies listed on the Tehran Stock Exchange and in a 5-year period from the beginning of 2013 to the end of 2023. The data related to the research variables were analyzed after collection in Excel software using Iviews software. The results of testing the research hypotheses using the panel data method showed that tax avoidance has a significant negative effect on stock price response.

Keywords

Operational risk, avoidance, tax payment, stock price
